



## COPYRIGHTS

© 2020 by the authors. Licensee National Studies Journal . This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

***The Social Institution of the Mosque in the Uprising of the  
Border Residents of the Persian Gulf  
of Iran Against the Occupiers  
(1285-1299 AD/ 1909-1920 AD)***

***Mohammad Taher Yaghoubi \****

**Email: [yaghoubi@pnu.ac.ir](mailto:yaghoubi@pnu.ac.ir)**

***Mashaallah Aali Hosseini \*\****


**Email: [mashala1339@pnu.ac.ir](mailto:mashala1339@pnu.ac.ir)**

**Received: 2022/10/11**

**Revised: 2023/3/1**

**Accepted: 2023/3/13**

**Doi: 10.22034/RJNSQ.2023.365390.1448**

** 20.1001.1.1735059.1402.24.93.4.8**

**Abstract:**

The uprising in the south of Iran took place in the period of "1285-1299 AD/ 1909-1920 AD" following the encroachment of the British forces on the water borders of the Persian Gulf and the occupation of Bushehr port. Considering the purpose of the study, which has the effect of the infrastructure of the mosque's function in the formation of the truth of the study movement, it raises this basic issue. How has the social political function of the mosque institution influenced the formation of the reality of the border residents' uprising against the invaders? The research findings analyze the internal developments of the movement in the light of studying and criticizing the attitudes presented around the movement to the social political role of the mosque institution as the main base of the culture of resistance. The research is of the "descriptive-analytical" type and has been carried out by the document-library method. The method of data analysis is based on the strategy and method of "thematic and comparative analysis" with 190 basic codes. The result shows; The Islamic culture and identity of the society and the innate rules arising from the functioning of the mosque have been the most fundamental factors that have caused the growth and awakening of the human conscience and the national zeal of the Jihad leaders. And it has made the basis of the independent and anti-colonial movement of the border dwellers in the south a reality.

**Keywords:** Uprising of the Borders, Persian Gulf, Mosque Institution, Social Political Function, The Occupiers.

---

\* Assistant Professor. History, Culture and Islamic Civilization Department. Payame Noor University. Tehran. Iran (Corresponding Author).

\*\* Ph.D. Student of Islamic history, culture and civilization. Payame Noor University. Tehran. Iran.

## کارکرد نهاد مسجد در قیام مرزنشینان خلیج فارس ایران علیه اشغالگران (۱۲۹۹-۱۲۸۵ ش / ۱۹۲۰-۱۹۰۹ م)

نوع مقاله: پژوهشی

محمد طاهر یعقوبی\*

E-mail: yaghoubi@pnu.ac.ir

مشاءاله عالی حسینی\*\*

E-mail: mashala1339@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۱۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۲

### چکیده

قیام جنوب ایران در فاصله زمانی «۱۲۹۹-۱۲۸۵ ش / ۱۹۲۰-۱۹۰۹ م» در پی تجاوز قوای انگلیس به مرزهای آبی خلیج فارس و اشغال بندر بوشهر رخ داد. نظر به هدف پژوهش که تأثیر زیر بنایی کارکرد مسجد در شکل‌گیری حقیقت نهضت است، این مسئله اساسی را مطرح می‌نماید که چگونه کارکرد سیاسی اجتماعی نهاد مسجد بر شکل‌گیری حقیقت قیام مرزنشینان علیه اشغالگران، تأثیرگذار بوده است؟ یافته‌های پژوهش در پرتو مطالعه و نقد و بررسی نگرش‌های ارائه‌شده پیرامون نهضت به نقش سیاسی اجتماعی نهاد مسجد به‌عنوان پایگاه اصلی فرهنگ مقاومت به تحلیل تحولات درونی جنبش می‌پردازد. پژوهش از نوع «توصیفی - تحلیلی» بوده و به روش اسناد - کتابخانه‌ای، انجام‌گرفته است. روش تحلیل داده‌ها بر استراتژی و روش «تحلیل مضمون و مقایسه‌ای» با ۱۹۰ کد پایه، استوار است. نتیجه نشان می‌دهد که فرهنگ و هویت اسلامی جامعه و احکام فطری برخاسته از کارکرد مسجد، اساس‌ترین عاملی بوده که موجب رشد و برانگیختگی وجدان انسانی و غیرت ملی سرداران جهاد گشته و مبنای حرکت ضد استعماری مرزنشینان جنوب را حقیقت بخشیده است.

**کلیدواژه‌ها:** قیام مرزنشینان، خلیج فارس، نهاد مسجد، کارکرد سیاسی اجتماعی، اشغالگران.

\* استادیار گروه تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

\*\* دانشجوی دکتری تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.



### مقدمه و بیان مسئله

خلیج فارس ایران که از آن به «قلب زمین» (ویلسن، ۱۹۲۸ م: ۹) نیز یاد شده است؛ محور ارتباط بین اروپا، آفریقا، آسیای جنوبی و جنوب شرقی و از ارزش‌های عظیم اقتصادی و اهمیت سوق‌الجیشی و سیاسی برخوردار است و لذا این مرز آبی در طول تاریخ از گذشته دور تا امروز، مورد توجه قدرت‌های استعماری بود. پدیده‌ای که خلیج فارس ایران را همیشه صحنه نبرد و مقاومت‌ها قرار داده است، کشمکش‌های مردم سرزمین‌های حاشیه آن را در دفاع از حیثیت ملی و دینی خویش بنیانی مخصوص ساخته، «به طوری که فرهنگ اجتماعی و زندگی سیاسی و اقتصادی آن‌ها با توجه به این مسائل، شکل و جهت یافته است» (الهی، ۱۳۹۶: ۱۶).

جنبش جنوب ایران، قیام سرنوشت‌سازی در دفاع از مرز آبی خلیج فارس ایران بود که پس از هجوم نیروهای ارتش بریتانیا از زمین و دریا با حمایت توپخانه ناوگان دریایی در ۱۶ مرداد ۲۶/۱۲۹۴ ق. به بندر بوشهر و اشغال آن شهر رخ داد. در پی این تجاوز اشغال‌گرانه، مرزنشینان بوشهری، تنگستانی و دشتستانی و... از زن و مرد در دفاع از مرز بوم ایران در جنوب قیام نموده و مقاومت می‌کنند. به دنبال این خیزش مردمی به تدریج مردم سایر نقاط جنوب؛ فارس و شهرهای تابعه چون کازرون به صف مبارزان ساحل‌نشین خلیج فارس پیوسته و جنوب ایران یکپارچه میدان مقاومت و ایستادگی در برابر استعمار می‌گردد. از همان زمان است که این واقعه مهم مورد توجه وقایع‌نگاران داخلی و خارجی، قرار گرفته و ابعاد قیام که «تفسیر پیدایی و یا چگونگی شکل‌گیری قیام»، یکی از آن‌ها هست؛ از ناحیه اهالی نظر مورد دقت و توجه قرار می‌گیرد.

در دسته‌بندی نظرات با استفاده از روش تحلیل مضمون و ۱۹۰ کد پایه، چهار نظریه مرتبط با هویت قیام به دست آمد؛ که به دو گروه نگرش‌های غیر هویتی و نگرش‌های هویت محور تقسیم شدند. در بررسی دسته نگرش‌های غیر هویتی که نظراتی از سوی اروپاییان نسبت به وابسته بودن قیام مطرح گردیده؛ به دو دیدگاه می‌رسیم. اول؛ دیدگاهی است که قیام‌گران را آشوبگرانی غارتگر، فرصت‌طلب و وابسته معرفی می‌کنند. این رویکرد مصدری انگلیسی دارد. دوم؛ نظریه تحریک آلمان‌ها است که صاحب‌نظران آن راهبردهای مستشاران فرهنگی آلمانی را عامل تحریک و تطمیع مردم به قیام می‌دانند و اما دیگر دسته، دو دیدگاهی است که قیام جنوب را هویت محور یعنی مستقل، مردمی و با فرهنگ و اندیشه، تحلیل نموده‌اند؛ در دیدگاه اول، با تکیه بر اندیشه میهن‌پرستی و باستان‌گرایی، به تفسیر ملی‌گرایی قیام همت گمارده‌اند و دیدگاه دوم، نظریه اسلامی

بودن قیام است. دو رویکرد غیر هویتی اروپایی به علاوه رویکرد هویت مدار باستان گرا، هر سه متفاوت و متقابل با نظریه هویت محور اسلامی هستند که هویت قیام را در کارکرد نهاد مسجد، اسلامی تبیین می‌کند؛ اما در نگاهی جامعه‌شناسانه و با توجه به این‌که جامعه ایران جامعه‌ای اسلامی و مسجد همیشه سجده‌گاه آن‌ها برای خدا و مبارزه بوده است، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که با تأمل بر جدایی‌ناپذیری فرهنگ اسلامی با نهاد مسجد، کارکرد این نهاد که عامل و مرکزیت بخش تجمعات همه‌جانبه مردمی است در این جنبش ضد استعماری چه نقشی داشته است؟ اینجاست که توجه به نظریه اسلامی بودن قیام جلب می‌شود؛ بنابراین هدف اصلی پژوهش، بررسی و مطالعه‌ی شکل‌گیری جنبش مرزنشینان خلیج فارس با تکیه بر کارکرد جامع نهاد مسجد در فرآیند بیداری اجتماعی، بسیج مردمی و تحولات گسترده مبارزه تا آخرین لحظه مقاومت است. بررسی این موضوع به این لحاظ اهمیت دارد که چگونگی شکل‌گیری نهضت را در پرتو معارف اسلامی، نمایان ساخته و از دیگر سوی موجب نشان دادن تحریفات و برداشت‌های ناصواب از قیام می‌شود. تحقیق از نوع کیفی «توصیفی - تحلیلی» و به روش اسنادی - کتابخانه‌ای است؛ و جمع‌آوری اطلاعات با فیش‌برداری از منابع مختلف نوشتاری از گزارش‌ها، کتاب‌های خاطرات و همچنین سندهای به‌جامانده به روش تحلیل مضمون و مقایسه‌ای صورت گرفته است.

نتایج حاصله از یافته‌ها نشان می‌دهد که حرکت ضد استعماری مردم جنوب ایران قیامی مستقل در چهارچوب بیداری دینی و فطری فرهنگ اسلامی بوده است و در راستای این نگرش فطرت‌گرایانه، نهاد مسجد با کارکردی سیاسی اجتماعی به‌عنوان اردوگاه اصلی قیام در تمامی مراحل بیداری و بسیج مردم، نقشی اساسی در ساختار مکتبی قیام داشته است.

## ۱- پیشینه موضوع

### ۱-۱- ادبیات نظری

مبنای پژوهش بر چهارچوب اصول «مسجد و مبارزه و قاعده نفی سبیل» است. مسجد بر هویت‌سازی دینی قیام و قاعده نفی سبیل بر پاسداری از این هویت استوار است که به اختصار اشاره می‌شود:

#### ۱-۱-۱- مسجد و مبارزه

مسجد، اسم مکان و در لغت به معنای جای سجده و عبادت است (فرهنگ عمید، ۱۳۸۹:



۱۶۰/۲). زجاج هم می‌گوید: هر مکان و موضعی که عبادت خداوند در آن انجام بشود آنجا مسجد است (مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ م: ۷/۵). در اصطلاح نیز مسجد «خانه مقدس خدا در زمین و یا پایگاه عبودیت و بندگی محض او برای جهاد و مبارزه با باطل درونی و بیرونی و محل مقدس پیمان با ولایت حق تعالی در دفاع از حقوق اسلام و مرزهای مسلمین است».

بنابر آیات شریفه، هدف خلقت و تکامل حیات بشری، عبادت و بندگی خدا<sup>(۱)</sup> و اطاعت از ولایت او برای خروج از ظلمت به سوی نور<sup>(۲)</sup> بیان گردیده است. پیمان این بندگی و اطاعت عملی در روی زمین و در مساجد یا خانه‌های خدا بسته می‌شود تا نمود عینی این تسلیم‌پذیری خدایی در زندگی فردی و اجتماعی و در مبارزه با هر نوع ظلمت و طاغوت شکل گیرد. بر این اساس، اولین و اساسی‌ترین اقدام راهبردی پیامبر اسلام پس از ورود به مدینه، بنیاد مسجد به‌عنوان مرکز عبودیت و پیمان با خدا و ارزش‌های الهی در مصاف با شیاطین داخلی و خارجی قرار می‌گیرد؛ و این سنت الهی را بر پا می‌سازد تا از آن پس سیره مسلمانان در مبارزه با هر نوع ظلم و بی‌عدالتی گردد. بر پایه این نگرش، مسجد به‌عنوان رکن رکین و جزء جدایی‌ناپذیر هر فعالیت سیاسی اجتماعی و نهضت ضد استبدادی و ضد استعماری؛ منبع و مرکز الهام‌بخش هویت مبارزه و مبارزان در همه ابعاد و مراحل قیام شناخته می‌شود.

مرزنشینان مسلمان خلیج فارس به سندیت تاریخ پرورش یافته مکتب اسلام هستند و قلب و روحشان با مسجد انسی دیرینه دارد. آن‌ها که در طول تاریخ ۲۰۰ ساله هجوم استعمار به بوشهر و جنوب ایران به دفعات در حفظ مرزهای آبی ایران با اعتقاداتی اسلامی جان‌فشانی نمودند. این بار نیز (در جنگ جهانی اول) با تکیه بر کارکرد سازنده نهاد مسجد که تجلی اصول و مبانی هویت‌بخش دین و زندگی است؛ مبارزه را آغاز کردند. عبدالحسین لاری از پیشگامان نهضت جنوب، در طلیعه مبارزه با تأکید بر این سنت و سیره‌ی سازنده بر وجوب نماز جمعه فتوا می‌دهد و نماز جمعه را واجب عینی معرفی می‌کند و لذا مسجد امام حسین جهرم و مسجد روستای کورده لارستان دو پایگاه مهم اقامه نماز، بیان شرع و تفسیر احکام عبادی و سیاسی آیت‌الله لاری بود (آیت‌اللهی، ۱۳۶۳: ۱۶۵). «در شیراز مجاهدین مشغول مشق هستند و همه‌روزه در مسجد نو و مسجد وکیل با حضور علما و سایر طبقات اجتماع نموده و نطق خطابه می‌خوانند» (بیات، ۱۳۷۳: ۲۳۷)؛ و در بوشهر، مسجد بزرگ شهر - مسجد نو - پایگاه تجمعات مردم و مرکز هدایت قیام به رهبری آیت‌الله سید عبدالله بلادی می‌شود (بیات، ۱۳۷۷: ۶۴). در

راستای این راهبرد تحول‌آفرین و انقلابی، علمای جهاد از پایگاه دین و صحن مقدس مسجد رفع اختلافات احزاب (رکن زاده آدمیت، ۱۳۷۰: ۱۵۶)؛ و پیوند اقوام و قبایل مجاهد را مورد عنایت وافر قرار می‌دهند (بلادی، ۱۳۷۳: ۶۵-۶۰) و سوگند به قرآن، اصل پیمان به همبستگی و اطاعت از علما قرار می‌گیرد (بیات، ۱۳۷۷: ۲۲۲).

شیخ حسین چاه کوتاهی پس از دعوت آیت‌الله سید علینقی دشتی و آیت‌الله بلادی بر همبستگی خوانین منطقه، به فرمان علما این چنین اقتدا می‌نمایند: «پس از ورود مکتوب شما و توصیه‌هایی که برای اتحاد با رئیس‌علی خان کرده بودید، همگی با کمال مسرت این پیشنهاد صحیح را پذیرفتیم و علاوه بر رئیس‌علی خان که با ما متحد شده است، برخی از رؤسا و خوانین دشتی نیز، با متابعت خود به اهرم و چاه کوتاه آمده‌اند و دست یگانگی به ما دادند. هم‌اکنون در این خیال هستیم که متفقاً برای جنگ به جغادک حرکت کنیم» (بیات، ۱۳۷۷: ۱۷۹).

فرماندهان جهاد جنوب چون اغلب تربیت‌یافتگان مکتب حسینی‌اند و در فضای عشق به اهل بیت و امام حسین از درون حسینه‌ها و مساجد برخاسته‌اند، با مجتهدین و روحانیت مبارز، رابطه‌ای مریدانه و ولایت‌مدار داشتند. رئیس‌علی دلواری، آن هنگامی که مرحوم شیخ محمدحسین مجتهد برازجانی معروف به «مجاهد» اعلان جهاد داد، مکتوبه‌ای به وی نگاشت و شرکت خود را در مقاومت، حضوری در رکاب امام حسین معنا کرد و با افتخار به مقام شهادت، اعلام بیعت نمود (رکن زاده آدمیت، ۱۳۷۰: ۲۸۹) و همچنین شیخ حسین چاه کوتاهی و زائر خضرخان تنگستانی دیگر سرداران نهضت در تلگرافی به علمای شیراز عزم و اراده‌شان به استنصار اسلام و استغاثه مسلمین را اجابتی عاشقانه تا آخرین نفس اعلام می‌دارند (بیات، ۱۳۷۷: ۱۵۹). هم‌چنین رکن زاده آدمیت که با رزمندگان و بازماندگان آن دوره معاصر بوده است، به نقل؛ حرکت شهادت‌طلبانه مرزنشینان به سوی مرزهای نبرد را از صحن «مسجد نو» با این تعبیرات ترسیم می‌نماید: «در هر معبر و رهگذر و مساجد و معابد، خاصه ساخت دل‌نشین و فضای غنبرین مسجد نو که از آثار و بنای سلاطین آل‌بویه است صفوف و ستون‌ها از جوانان حساس، مسلح با تفنگ در کمال جسارت با چشمانی مملو از شراره‌ی شجاعت و چهره‌ای مشحون از حماسه و فطانت و قیافه‌ای چون صبح روشن ... سرودخوان در حرکت بودند (رکن زاده آدمیت، ۱۳۷۰: ۲۸۹)» و یا آن زمانی که به گفته آیت‌الله محلاتی: رزمندگان اسلام با شعارهای پی‌درپی الله‌اکبر و یا علی مددگویان به سنگرهای دشمن می‌تاختند (بیات، ۱۳۷۷: ۲۴۰). جملگی نشان از این هویت یافتگی اسلامی دارد.



### ۱-۲-۱- قاعده نفی سبیل

در قرآن آیه‌ای وجود دارد که به قاعده‌ی «نفی سبیل» معروف است «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است (نساء/ ۱۴۱). فقیهان در ابواب مختلف فقه از این قاعده استفاده کرده‌اند. برای مثال، شیخ انصاری با استناد به آن، گفته است فروش برده مسلمان به کافر جایز نیست (بجنوردی، ۱۴۱۹ ق: ۱/ ۲۳۳). به گفته عمید زنجانی، این قاعده از قواعد فقهی مهم و شناخته شده است که به ویژه در فقه اقتصادی و فقه سیاسی، در همه روابط فردی و اجتماعی بین مسلمانان و غیرمسلمانان، به عنوان قانونی کلی جریان دارد (عمید زنجانی، ۱۳۹۲: ۳/ ۲۴).

«این قاعده بر بیشتر قواعد فقهی تقدم دارد» (انصاری، ۱۴۱۵ ق: ۴/ ۱۴۲) علما با استناد به این قاعده، گفته‌اند راه هر نوع نفوذ و سلطه‌ی کفار بر جوامع اسلامی در حوزه‌های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی باید مسدود شود. این قاعده بیانگر دو جنبه ایجابی و سلبی است که جنبه سلبی آن ناظر بر نفی سلطه‌ی بیگانگان بر مقدرات و سرنوشت سیاسی و اجتماعی مسلمانان و جنبه‌ی ایجابی آن بیانگر وظیفه دینی مسلمانان در حفظ استقلال سیاسی و از بین بردن زمینه‌های وابستگی است (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳: ۲۵۲-۲۴۳). به عبارت دیگر قاعده نفی سبیل یا نفی بیگانه و دعوت مردم به دفاع و مقاومت اجازه نمی‌دهد دشمن به مرزهای اعتقادی و حقیقت و هویت انسانی، نهاد نمادهای اسلامی و فرهنگ متمدن برخاسته از آن خدشه‌ای وارد نمایند. این اصل حیات‌بخش در عصر معاصر پس از وقوع جنگ‌های ایران و روس و در جنبش تنباکو در دفاع از استقلال کشور با نفی استعمار و جلوگیری از تجاوز بیگانگان شکلی عینی و عملی روشنی پیدا کرد. تا اساس و قاعده‌ی مبارز با هرگونه استبداد در دوره نهضت عدالت‌خانه و مشروطیت و هر نوع بیگانه‌ستیزی پس از آن همچون قیام جنوب باشد. بر مبنای این قاعده است که علمای جنوب، همچون سید عبدالحسین لاری، سید عبدالله بلادی، سید علم الهدی اهرمی، شیخ محمدحسین برازجانی فتوا صادر کرده و مردم را برای جبهه‌های مقاومت بسیج می‌نمایند و پس از آن به همراه فرماندهانی مثل رئیس‌علی دلواری و شیخ حسین چاه کوتاهی، غضنفرالسلطنه برازجانی، زائر خضرخان اهرمی و... علیه انگلیسی‌ها وارد جنگ می‌شوند (نجفی، ۱۳۷۷: ۵).

### ۱-۲- پیشینه پژوهش

در این رابطه پیشینه را از سه منظر بررسی می‌کنیم.

**اول؛** دسته تحقیقاتی است که بدون اشاره به کارکرد مسجد در قیام جنوب ایران. به نقش تاریخی مسجد پرداخته‌اند. در این دسته؛ کتاب محمدعلی فعالی (۱۳۸۶)، «مدیریت مسجد» باهدف نقش مدیریت مسجد در برنامه‌های فردی و اجتماعی زندگی مسلمان تحقیق می‌کند؛ باربارا فینستر (۱۳۹۲)، «مساجد اولیه ایران» به هدف بررسی نقش مساجد اولیه ایران، مساجد را از آغاز تا دوره سلجوقیان بررسی می‌نماید؛ و مقاله حسینعلی محمودی (۱۳۹۳)، به قصد شرح نقش سیاسی مساجد در عصر پیامبر گرامی و امام علی این نگارش را انجام می‌دهد. او نقش مسجد در زمان پیامبر و زمان امام علی و همه عصرها را یکسان معرفی می‌کند. این دسته نقش مسجد را کلی و تاریخی و بدون عنایت به تأثیر آن‌ها در جنبشی خاص ارزیابی کرده‌اند.

**دوم؛** دسته کتاب‌هایی هستند که بدون جهت‌گیری و شرحی بر جایگاه مسجد به شرح وقایع و حوادث رخ داده در مساجد هنگام قیام، اشاره می‌کنند. کتب ذیل نمونه‌هایی از این مقوله هستند: محمدحسین رکن زاده آدمیت (۱۳۷۰)، در «کتاب فارس در جنگ بین‌المللی اول» (۱۳۷۰) و در کتاب «دلیران تنگستان»، احمد احرار (۱۳۶۸) «ایران در توفان» فراهبندی (۱۳۶۱) در «تاریخ انقلاب مسلحانه»، مورخ الدوله، «ایران در جنگ جهانی بزرگ» سپهر (۱۳۶۲).

عیب کار این دسته راویان، همان نقض اعلام بی‌طرفی خود از گزارش‌هایی است که در کتب ادعای آن را داشته‌اند، مثل زمانی که به حزب دموکرات و افراد باستان گرا و... اشاره می‌شود و به دفعات و به صورت گسترده نقش مثبت آن‌ها تحلیل می‌شود اما بدون ذکری از نقش مسجد - چه مثبت چه منفی - می‌گذرند.

**سوم؛** دسته تحقیقاتی هستند که ضمن شرح حوادث به کارکرد مسجد اشاره دارند؛ اما نویسندگان آن، این کارکرد را مطابق با منافع و سیاست‌های حاکمیتی دول خود تفسیر می‌کنند کتاب والا (۱۳۵۶)، «خلیج فارس در عصر استعمار»؛ کتاب اسکرین کلارمونت، (۱۳۶۳) «جنگ جهانی در ایران» و کتاب سرپرسی سایکس، (۱۳۹۱)، «تاریخ ایران» و جیمز ماپرلی (۱۳۶۹)، «عملیات در ایران»؛ که غالباً وابسته نظامی و یا کنسولی بریتانیا بوده‌اند، تلقیات استعمار انگلیس را در مورد نقش مسجد در قیام به‌عنوان مراکز شورش، ترویج نموده‌اند. از آن طرف بعضی که حامی آلمان‌ها بوده‌اند، مساجد را پایگاه مناسبی برای نفوذ بین روحانیون و تحریک سران مقاومت و محل تبلیغ هیئت‌های فرهنگی خود می‌دانستند. از جمله کتب آن‌ها، کتاب «واسموس» نوشته داگوبرت فن می‌کوش (۱۳۷۷) است که به





نحوه‌ی نفوذ هیئت فرهنگی آلمانی در بین سران و رهبران جنوب اشاره دارد. همان‌طور که ذکر شد اشکال عمده‌ی این گروه پرداختن به نقش مسجد با تحریف عملکرد مسجد در راستای توجیه منافع استعمارگرانه‌ی دولت وابسته خود است.

در این پژوهش کارکرد مسجد به لحاظ نگاه به چیستی نقش آن و هم به جهت روش تحلیل داده تا رسیدن به حقیقت چیستی، کاملاً با سایر پژوهش‌ها متفاوت است. نوآوری پژوهش علاوه بر دو جهت مذکور در ارائه‌ی نظریات مختلف پیرامون نهضت در آینه‌ی اسناد و مقایسه و ارزیابی آن‌ها باهم و با نظریه پژوهش نیز هویدا است.

## ۲- روش تحقیق

### ۲-۱- روش‌های گردآوری داده‌ها

تحقیق از نوع کیفی «توصیفی - تحلیلی» و به روش اسنادی - کتابخانه‌ای است و جمع‌آوری اطلاعات با فیش‌برداری از منابع مختلف نوشتاری از گزارش‌ها، کتاب‌های خاطرات و همچنین سندهای به‌جامانده به روش تحلیل مضمون و مقایسه‌ای صورت گرفته است.

### ۲-۲- روش‌های تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها؛ یعنی فرایند تدوین، تنظیم، طبقه‌بندی، تلخیص و بیان مفهوم یا معنای انبوهی از داده‌های گردآوری شده که با کاهش آن‌ها به صورت بخش‌های قابل کنترل و تفسیر آن‌ها سروکار دارد (هومن، ۱۳۸۵: ۱۵۶). در اینجا پس از آشنا شدن با داده‌ها و استخراج آن‌ها با استراتژی تحلیل مضمون، فرآیند کدگذاری در چارچوب قلمرو تحقیق آغاز گردید. با استفاده از این روش، ۱۹۰ کد پایه، مرتبط با نظریات پیرامون هویت قیام به دست آمد... در مرحله بعد دو گروه اصلی سازمان دهنده شکل گرفت؛ گروهی که قیام را فاقد هویت و به نقش خارجی‌ها وابسته می‌دانست که به نظریات اروپاییان نام‌گذاری شد و گروهی که جنبش را مستقل و علیه اشغالگران می‌شناخت. دو نظریه باستان‌گرایی و اسلامی بودن قیام در این دایره قرار می‌گیرند. در ضمن این فرآیند و با روش تحلیل مقایسه‌ای، دیدگاه‌ها نسبت به خود و نسبت به هم ارزیابی گردیدند و سرانجام در پرتو این روش هویت استقلال‌طلبانه‌ی قیام مبتنی بر کارکرد سیاسی اجتماعی مسجد در پنج فرآیند سازمان دهنده تبیین شد.

### ۲-۳- روایی و پایایی ابزار جمع‌آوری اطلاعات

برای حصول اطمینان از روایی پژوهش نیز مفاهیم و مضمون‌های به‌دست آمده به‌طور مستمر با داده‌ها مقایسه گردیده و تناسب آن‌ها نسبت به یکدیگر ارزیابی شد همچنین

چند تن از استادان و خبرگان به بررسی و اظهارنظر درباره کدبندی‌ها و یافته‌ها پرداختند و دیدگاه آن‌ها نیز اعمال شد.

## ۲-۴- جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری «متون یادداشت‌ها، اسناد و کتب مرتبط با موضوع» بود. روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند تا رسیدن به نقطه اشباع نظری انجام گرفت.

## ۳- یافته‌های تحقیق

یافته‌ها برآمده از به‌کارگیری روش‌شناسی با اتخاذ رویکرد کیفی مبتنی بر روش تحلیل مضمون و مقایسه‌ای و ادبیات نظری پژوهش، در نهایت در قالب دو «مضمون سازمان دهنده» تحت عناوین؛ نگرش‌های غیر هویتی و نگرش‌های هویت مدار در قیام جنوب، گروه‌بندی گردید که در این بخش ابتدا به تبیین و ارزیابی گروه اول می‌پردازیم:

### ۳-۱- نگرش‌های غیر هویتی به قیام جنوب (گروه اروپایی)

در این گروه اروپایی، دو نگرش به نام نگرش «آشوبگران فرصت‌طلب» و نگرش «تحریک آلمان‌ها» به جهت رویکرد مشترک غیر هویتی‌شان به قیام، ساماندهی شده‌اند.

#### ۳-۱-۱- نگرش اول: آشوبگران فرصت‌طلب

در شرایطی که انگلیسی‌ها تجاوز به ایران را جهت جلوگیری از هرگونه جنگ و شورش در آن بهانه می‌ساختند، حرکت مجاهدان جنوب را شورش آشوبگران فرصت‌طلب و یا عده‌ای از دزدان و اشرار قبایل و عشایر نامیدند که با تطمیع و تحریکات بیگانه برای تخریب و غارتگری به شهر روانه گشته‌اند (رکن زاده آدمیت، ۱۳۷۰: ۶۲)؛ و یا آنکه اوکانر، سرکنسول انگلیس و دوستانش برای بی‌هویت نشان دادن قیام آن را دسیسه آلمانی‌ها نامیدند. «این دسیسه در جنوب ایران، کار دوست دیرینه ما واسموس بود» (اوکانر، ۱۳۷۶: ۷۹۷). در راستای این نگرش «کاکس بالیوز انگلیسی» در نامه‌ای به آیت‌الله مجتهد برازجانی از نقش واسموس سخن می‌راند و با تهدید خواستار ممانعت از اقدامات او می‌شود (رکن زاده آدمیت، ۱۳۷۰: ۳۸۶)، در هواخواهی آن‌ها، والیان و صاحب‌منصبان غرب‌گرایی در ایران وجود داشتند که به این القائات دامن می‌زدند. در دستخطی از حکومت بوشهر به وزارت خارجه انگلیس به‌طور واضح بیان شده که «انقلاب دشتستان به واسطه‌ی اقدامات واسموس و سایر رفقای آلمانی و اشرار ایرانی به وجود آمده است و در سندی دیگر گفته‌شده زائر خضرخان و شیخ حسن چاه کوتاهی به تحریک واسموس در بوشهر اعلانی را منتشر کرده و باعث نگرانی اهالی شده‌اند» (قطبی، ۱۳۷۰: ۱۳۰). در همین رابطه آن‌ها در منابع مکتوب خویش، مساجد که



پایگاه تجمعات و مراکز دعوت و اعزام مجاهدان به مقاومت بودند را به عنوان مراکز شورش و مکان‌های فرصت‌طلبی فرماندهان جهاد تبلیغ و ترویج نموده‌اند (رکن زاده آدمیت، ۱۳۷۰: ۲۰۵).

الف) انگلیسی‌ها، با نگاه اومانستی، خود را ملاک حق و ملت برتر می‌شناختند و با برخوردی دوگانه، هر خان و والی وابسته‌ای که همفکر و حامی و همراهشان بودستایش می‌کردند، به کسانی چون فرمانفرما و قوام‌الملک، حیدر خان و ... لقب داده و مستمری عطا کرده، قهرمان صلح خوانده و نشان امپراتوری می‌دهند (بیات، ۱۳۷۳: ۱۱۵) و مخالفین و مبارزان استقلال‌طلب را از اوج رفعت به حضيض نکبت می‌کشاندند و دزد و شریرش خواندند و در فئای او کوشیدند (رکن زاده آدمیت، ۱۳۷۰: ۳۸۸).

ب) دیگر ادعای انگلیسی‌ها بر نشان دادن مشروعیت حضورشان در ایران، این بود که در راستای اجرای قانون و دفاع از نظم و امنیت جامعه و عدالت بین مردم به اینجا آمده‌اند (رکن زاده آدمیت، ۱۳۷۰: ۶۲). سید عبدالحسین لاری از علمداران قیام، می‌گوید: «اینان حتی اختیار آب دریا، علف صحرا و زن و فرزند را از مردم می‌گیرند و هیچ حقی را برای ذوی الحقوق نمی‌گذارند... و اسم آن را نظم و ترتیب و امنیت و عدالت می‌گذارند. نظم و ترتیب که این فرنگیان مدعی آن هستند مضحک و مسخره است. قانون این‌ها در مقابل شریعت اسلامی باطل و مفسده است» (مهاجری، ۱۳۷۰: ۳۷) و به بیان سید عبدالله بلادی مجتهد مبارز بوشهری: «از روی کدام حق مشروع، دولت انگلیس مستقیماً با تنگستان به جنگ رسمی و به قوه مسلحه و قشون بری و بحری رعایای بی‌طرف ایران را تار و مار و لانه‌ی آن‌ها را آتش زده و جوانان آن‌ها را تلف نموده است؟» (مطهری زاده، ۱۳۸۳: ۱۳۵).

ج) همچنین، پلیس جنوب انگلیس با اهدافی ضد مردمی در ایران شکل گرفت و در مقابل ژاندارمری که سازمانی داخلی و نقش امنیت جامعه را به عهده داشت به شدت تضعیف و به تدریج خلع سلاح (احرار، ۱۳۵۲: ۲/۵۴۳) و از صحنه نظم و دفاع کشور حذف شد. اگر این ارگان در دفاع از امنیت کشور ناکارآمد بود چرا برخلاف انگلیسی‌ها، امت مبارز ایران و رهبران و فرماندهان نهضت در مکاتبات مستمر با دولت، همگی خواهان حفظ و تقویت آن برای امنیت ایران بودند (روزنامه شورا، ش ۹۲، ص ۲، ۱۳۳۳)؟ حقیقت مستند تاریخ این است که حضور پلیس جنوب، خشم جمیع مردم فارس را برانگیخت و به دنبال مخالفت مردم، سید عبدالحسین لاری در فیروزآباد با آیه *فَاَقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ بِاِحْکَامِ جِهَادٍ مَّرْمُومٍ* با حکم جهاد مردم را به مبارزه ترغیب نمود و

حرکت گسترده مجاهدین عشایر، مقابل پلیس‌های انگلیسی در چهار جبهه‌ی: آباده، کازرون، شیراز و فیروزآباد شکلی عملیاتی گرفت (صداقت کیش، ۱۳۹۱: ۲۵-۲۰).

### ۳-۱-۲- نگرش دوم: تحریک آلمان‌ها

گروه دیگر معتقد به تحریک آلمان‌ها هستند که می‌گویند؛ با ورود سازمان‌یافته هیئت نظامی و تبلیغی آلمان‌ها در نقاط مختلف ایران، موجبات اصلی ظهور قیام علیه قوای انگلیسی فراهم گردید. «همه این هیئت‌های پراکنده تحت فرمان یک رهبر و یک مرکز واحد تلاش می‌کردند» (نیدر مایر، ۱۳۶۳: ۳۸)؛ و در جنوب ایران، مأموریت انجام این تحریک و تحرک بر عهده فردی به نام واسموس قرار داشته است.

مورخ الدوله سپهر که در استخدام سفارت آلمان بود و نقشی برجسته در اجرای سیاست‌های آن‌ها در آن دوره داشت از پیشگامان تئوری این نگرش در ایران شناخته می‌شود. وی در کتاب *تاریخ ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴*؛ قیام جنوب را به عاملیت آلمان و صرفاً نتیجه کمک‌های مالی و نقشه واسموس آلمانی خوانده است (سپهر، ۱۳۶۲: ۷۹۷۷) و فن می‌کوش آلمانی، گوید: این واسموس بوده است که توانست ائتلافی بین چهار نفر از خان‌های عشایری ایجاد کند (فن می‌کوش، ۱۳۸۳: ۷۶۶)؛ و کلارمونت اسکرین انگلیسی، نوشته که او: «در تابستان سال ۱۹۱۵ م موفق شد عشایر جنوب را بر ضد انگلیسی‌ها تحریک نماید» (اسکرین، ۱۳۶۳: ۳۱). به‌رحال این رویکرد به‌نوعی دیگر قیام را به بی‌هویتی متهم می‌کند؛ اما با توجه به نقش تأثیرگذار آلمانی‌ها در دشمنی با انگلیسی‌ها و حوادث این دوره در ایران، اسناد و شواهدی چون قرائن ذیل، نقشی راهبردی و زیر بنایی در قیام ساحل‌نشین‌های خلیج فارس برای آلمان‌ها که جزئی از اشغالگران شناخته می‌شدند، نشان نمی‌دهد:

الف) به شواهد تاریخی، خوانین تنگستانی همانند زائر خضرخان و شیخ حسین خان چاه کوتاهی، خیلی قبل از ورود واسموس به اهرم<sup>(۳)</sup> در صدد حمله به اجنبی بودند، «در آن وقت واسموس بین بوشهر و شیراز متواری و از دست انگلیسی‌ها فراری بود و اصلاً در منطقه حضور نداشت» (بیات، ۱۳۷۳: ۳۵) که آغازگر قیام باشد. برعکس آنچه از نقش واسموس گفته‌اند، او معترف است حس استقلال و آزادیخواهی را در طول جنگ از مجاهدان جنوب و ارزش‌های اسلام حاکم بر سرزمین کهن ایران آموخته است نه از سیاست‌های آلمان‌ها و نه از اندیشه و اعتقادات مسیحی که از کودکی به آن انس گرفته است (گروتروپ، ۱۳۹۴: ۳۸).

ب) در موضوع اتهام باج‌گیری و پشتیبان تسلیحاتی خارجی؛ خوانین مبارزی چون



زائر خضرخان، تاجرانی توانا و معروف بودند که از تمول کافی و مکتب لازم مالی برخوردار بودند (رکن زاده آدمیت، ۱۳۷۰: ۶۷) و به قول ویلسون؛ بندر بوشهر در دوره قاجار از مراکز اصلی تجارت اسلحه به شمار می‌رفت (ویلسون، ۱۹۲۸: ۳۰۹) و همچنین این تجارت از چنان شتابی برخوردار بوده که وقتی به بندرهای کوچک‌تر (دلوار، بندر ریگ و رودحله) می‌رسید، فاقد نظارت و کنترل گمرکی می‌شده است (کاکس، ۱۳۷۷: ۳۴) و نیز چون انگیزه مالی هدف مجاهدان نبود، رشوه و ترغیبات فراوان مالی انگلیسی‌ها، هیچ‌گاه سرداران را تسلیم تطمیعات آن‌ها ننمود بلکه خشمشان را بر دشمن مضاعف ساخت (فراشبندی، ۱۳۶۲: ۲۲).

ج) قیام‌های عصر معاصر که قبل از نهضت جنوب رخ داده، ناقص دیگر این نظریه غیر هویتی است. انگلیسی‌ها تا قبل از جنگ جهانی اول سه بار به بوشهر هجوم آوردند (مشایخی، ۱۳۸۱: ۷) و در هر بار تنگستانی‌ها برابرشان از میهن دفاع نمودند. آن موقع هیئت متنفذ آلمانی و مأموران آن‌ها نبودند و به گفته براون باید این حرکت را در عواملی چون «جنبش بزرگ ضد استعماری تنباکو که مبدأ تاریخ بیداری ضد استعماری مرحله نوین ایران در حوادث اجتماعی معاصر شد» (براون، ۱۳۳۸: ۱۳۹) جستجو کرد، نه تحریک آلمان‌ها.

### ۲-۳- نگرش‌های هویت محور به قیام جنوب

در این دسته نیز دو نگرش وجود دارد که برعکس گروه اول با رویکردی هویت محور به تحلیل قیام می‌پردازند؛ یکی به ایران باستان می‌پردازد و دیگری به جایگاه دین به‌ویژه کارکرد نهاد مسجد توجه دارد.

### ۳-۲-۱- نگرش اول هویت محور به قیام: ناسیونالیست‌های جدید (باستان‌گرایان)

رکن زاده آدمیت و فراشبندی از پیشگامان این نظریه هستند، آن‌ها، قیام جنوب را قیامی مستقل و با هویتی ایرانی و ملی معرفی نموده‌اند؛ آن‌ها می‌گویند: «آنچه مردم را دچار انقلاب روحی عجیب و وصف‌ناپذیر ساخت، وطن‌پرستی و ناسیونالیسم جدید، بوده است که \_ به‌عنوان \_ گردش روح ایران باستان در خطه‌ی دشتستان» (فراشبندی، ۱۳۵۹: ۱۵) از آن یاد می‌کنند. اندیشه وطن‌پرستی دلیران جنوب در محتوای کتاب‌های آن‌ها دیده می‌شود، کتبی که همواره منبعی مفید برای سایر نویسندگان، بوده است. این طیف فکری قائل‌اند، حزب دموکرات سلسله‌جنبان فعالیت‌های آزادی خواهان نهضت بود که با ایدئولوژی دموکراسی اجتماعی‌اش، تأثیر بسزایی در ترویج نگرش ناسیونالیسم جدید داشت. همچنان که تحریک احساسات ملی و مذهبی مردم جنوب را واقعیتی مسلم و اجتناب‌ناپذیر از رهبری و سازمان‌دهی گسترده این حزب دانسته‌اند (فراشبندی، ۱۳۵۹: ۱۹).

البته این ادعا با واقعیت تحولات قیام فاصله دارد؛ زیرا اعتبار حزب با تمام مسلک و آیینش متکی به بیگانه بوده است. احمد احرار می‌نویسد؛ فراکسیون «دموکرات» که اقلیت نیرومند مجلس را تشکیل می‌داد به نفع دیپلماسی آلمان بر ضد انگلیس و روس اقدام می‌کرد (احرار، ۱۳۵۲: ۱/ ۲۱۰). دموکرات‌ها، گرایش به آلمان را راه‌رهای ایران تبلیغ می‌کردند و با اعضای سفارت آلمان تماس مداوم داشتند (احرار، ۱۳۵۲: ۱/ ۲۰۹)؛ و این عملکرد حزب، آن‌ها را به تدریج از محبوبیت انداخت و از باطن جامعه دور ساخت و مورد تنفر مردم قرارداد تا آنجایی که در سال ۱۳۳۴ قمری اداره ژاندارمری وارد میدان شد و طبق اعلامیه عمومی خواستار عدم تعرض مردم به اعضای آن گردید (رکن زاده آدمیت، ۱۳۷۰: ۴۸۴)؛ بنابراین، اندیشه باستان‌گرایی، بیش از آنکه در بدنه و درون جامعه قیام دیده شود، بیشتر در صحنه‌ی حرکت‌های فعال سیاسی وابسته و متکی به عملکرد بیگانه قابل رؤیت‌اند.

### ۳-۲-۲- تکرش دوم هویت محور به قیام: اسلامیت قیام با تأکید بر کارکرد نهاد مسجد

در ادامه بیان یافته‌های تحقیق و در شرح دومین نگرش هویت مدارانه به قیام جنوب، نظریه «اسلامیت نهضت و یا نظریه نقش‌آفرینی نهاد مسجد در شکل‌گیری قیام مرزنشینان جنوب ایران»، قرار دارد. منظور از «اسلامیت قیام» این است که قیام با فرهنگی دینی و با رهبری مجتهدین و رکن نقش‌آفرین آن- نهاد مسجد- با هدف حفظ شعائر و شعور دینی و استقلال مرزهای جامعه اسلامی انجام گرفت (محمدتقی مدرسی، ۱۳۶۷: ۴۰ و ۴۸). در اینجا قیام به این معنا در مقابل تفسیرهای انگلیسی، آلمانی و باستان‌گراها قرار دارد.

همچنین مسجد در اصطلاح این مقاله، خانه‌ی مقدس خدا در زمین و پایگاه عبودیت و بندگی او برای جهاد و مبارزه با باطل درونی و بیرونی در دفاع از حقوق فردی اجتماعی اسلام و مرزهای مسلمین است. طبق این تعریف فعالیت پرهیزکاران مجاهد در دفاع از حقوق فردی و اجتماعی اسلام و مرزهای مسلمین در هر بخش از خاک و سرزمین ایران، تابعی از کارکرد سیاسی اجتماعی نهاد مسجد شناخته می‌شود. اما با نظر به همه انگیزه‌ها و انگیزه‌های مختلف، چگونه کارکرد سیاسی اجتماعی نهاد مسجد، پایگاه احکام فقهی اسلام و مجتهدین مبارز بر شکل‌گیری قیام مرزنشینان خلیج فارس علیه اشغالگران، تأثیر داشته است؟

### ۳-۲-۲-۱- مسجد پایگاه ذکر و بندگی خدا و اطاعت از رهبران مقاومت

قرآن کریم، هدف از خلقت انسان را رشد و تکامل معنوی او دانسته و راه رسیدن به



این تکامل را در «بندگی» خداوند با عبارت؛ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ذاریات، آیه ۵۶) معرفی می کند؛ و مسجد را کانون عبودیت و پایگاه ذکر کثیر خود قرار می دهد «و مساجد يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا» (حج/۴۰).

و به این دلیل که مسجد بهترین مکان ها نزد خداوند است (المتقی الهندی: ۱۴۳۱ ق: ۶۴۸/۷). خانه خدا در زمین (مجلسی، ۱۴۱۴ ق: ۳/۴۸۲). خانه پیامبران و ستارگان زمین (نوری، ۱۴۰۸ ق: ۳/۳۱۳ و ۳۵۹) و زیارتگاه موحدان است (المتقی الهندی: ۱۴۳۱ ق: ۶۴۸/۷).

بر همین فلسفه، تاریخ نشان می دهد علمای اسلام و رهبران جهاد در هر عصری در اصلاح جامعه و مبارزه با طاغوتیان بر توجه مسلمانان و احیا و گسترش مساجد تکیه فراوان داشته اند. در قیام سرداران شیخ خلیفه از اهالی مازندران به سبزوار می آید و مسجد جامع را پایگاه حرکت روشنگرانه خویش قرار می دهد و با برپایی نماز جماعت رهنمودهای عدالت خواهانه او از این مکان مقدس به تدریج مردم را مجذوب خویش نمود (آزند، ۱۳۶۳: ص ۸۷). در جنبش تنباکو میرزا حسن مجتهد شیرازی پایگاه دین و قرآن، مرقد عسکرین معصوم در سامرا را انتخاب نمود (نجفی، حقانی، ۱۳۸۹: ص ۲۲۳). در قیام مشروطه، مردم پس از حضور در مساجد و برگزاری نماز جماعت و موعظه های بیدارگر پس از آن است که به اعتراض دست می زنند. ابراهیمیان می نویسد: «مساجد سراسر کشور مهیای برگزاری مجالس وعظ و سخنرانی روحانیون و مجالس عزاداری امام حسین (ع) می گردد. در چنین شرایطی زمره های اولیه نهضت مشروطیت با اعتراض و روشنگری های علمای اسلام فضای مسجد را آکنده می سازد» (آبراهامیان، ۱۳۹۷: ۱۰۴). همچنین برگزاری مجالس قرآن، خواندن زیارت عاشورا و ذکر دعا برای رزمندگان جبهه ها و سلامتی فرماندهان به دنبال مجالس روضه خوانی، نمازهای جمعه و جماعت های یومیه در مساجد و حسینیه و به ویژه در هنگامه ی نبرد و پیروزی در قیام وجه دیگری از توسل و توکل به حق تعالی در این مراکز مردمی بوده و هست. نامه ی علمای شیراز که به حمایت از ناصر دیوان یکی از فرماندهان جهاد در پنجم ماه رمضان سال ۱۳۳۶ مرقوم داشته اند نمونه سند این ادعا است: «از اقدامات اسلام پرستانه جنابعالی، چشم صاحب اسلام روشن... امروز که یوم پنجم است، عموم مسلمانان تعطیلی دکاکین و بازارها نموده و با یک دنیا حرارت الآن در مسجد نو حاضر و برای همراهی جنابعالی انشاء الله و اخراج قشون کفر از هیچ گونه فداکاری مضایقه ندارند... امیدواریم به مدد حضرت حجّت (عج)، کارها بر وفق مرام شود.

الاحقر، ابوالمعالی الموسوی، الاحقرمحسن محلاتی، الاحقرمحمدعلی شیخ جعفر، الاحقرمحمدطاهر موسوی، الاحقرابوالفضل شریف، الاحقرالروی هاشم الطباطبایی، الاحقر مرتضی محلاتی، الاحقرابوطالب حسینی، العبدالداغی، یحیی شیرازی رئیس العلماء. (مطهری زاده، ۱۳۸۳: ص ۱۵۲).

### ۳-۲-۲- میعادگاه اتحاد و ائتلاف سرداران و سربازان قیام

در گام دوم شکل‌گیری قیام، علمای جهاد با استفاده از پایگاه دین و صحن مقدس مسجد، رفع اختلافات و پیوند اقوام و قبایل مجاهد را موردعنایت وافر قرار دادند و در پی نشست و مکاتبات فراوان مجتهدین مبارز با طوایف مختلف (بلادی، ۱۳۷۳: ۶۵-۶۰) بودند؛ در لار نیز آیت‌الله عبدالحسین لاری به مکاتبه با صولت الدوله، فرمانده و بزرگ ایل قشقایی و ناصر دیوان، بزرگ کلانتر کازرون می‌پردازد (مطهری زاده، ۱۳۸۳: ۱۵۰ و ۱۵۱) از سوی دیگر در شیراز علما و رهبرانی چون آیت‌الله محلاتی که با اختلاف بین احزاب دموکرات و اعتدالیون مواجه است، می‌کوشند احزاب را به وحدت و ائتلاف بکشانند. در اینجا نیز از قداست جایگاه مسجد بهره جسته و مسجد نو شیراز، پایگاه گروه‌های مجاهد و محل نشست حل و فصل منازعات و ائتلاف بین احزاب قرار می‌گیرد (رکن زاده آدمیت، ۱۳۷۰: ۱۵۶) این در حالی است که با هجوم متجاوزان انگلیسی، استقلال ایران به خطر افتاده و مردم نگران به دنبال رایزنی و چاره‌جویی با علما بوده و مساجد را ترک نمی‌کنند.

### ۳-۲-۳- قرارگاه مذاکره و مشاوره‌ی رهبران نهضت با مردم

در گامی فراتر و در شور حفظ استقلال میهن، بسط‌نشینی مردم در مساجد و مذاکرات بر چگونگی پیشگیری از تجاوز تحمیلی در شهرهای مختلف آغاز می‌گردد. در برازجان نیز «امروز کسبه و اهالی برازجان دکاکین را بسته، در مسجد راجع به وقایع بوشهر مذاکره می‌نمایند» (روزنامه رعد، ش ۸۸، س ۲، ۱۷ شوال ۱۳۳۳، ص ۳). «در شیراز مردم از هر حزب در مسجد وکیل تجمع کرده و بعضی آقایان نطق ایراد می‌نمایند، مقصود همگی تخلیه رسمی بوشهر است» (روزنامه رعد، ش ۷، ۲۰ ذی‌القعدة ۱۳۳۳ ص ۲). علما با اتمام حجت، درخواست مردم به گوش منصوبین دولت می‌رسانند «... حجت‌الاسلام آقا شیخ جعفر به نمایندگی از مجاهدین به دریا بیگی نامه می‌نویسد و با تأکید خواهان خروج انگلیسی‌ها می‌شود و به او اعلام می‌دارد عقیده عموم مجاهدین بر این است که بیش از این نباید تأمل کرد و خیال دارند اقدامات خصمانه شروع نمایند» (بیات، ۱۳۷۳: ۲۲۹). ژاندارمری فارس نیز، این وضعیت را به مافوق گزارش داده و می‌نویسد، تقریباً





همه روزه اهالی در مساجد اجتماع کرده، می‌خواهند بر ضد انگلیسی‌ها طغیان نمایند (بیات، ۱۳۷۳: ۱۸۷). در سندی دیگر آمده: نظر به اطلاعات واصله از بوشهر و تجاوزات قشون همسایه‌های جنوبی در آن حدود، اهالی گلپایگان عموماً از صبح شنبه ۲۳ (شوال) در مسجد مرحوم حجه‌الاسلام... اجتماع نموده، ... اهالی منتظر دستورالعمل حجج اسلام و اقدامات دولت هستند (روزنامه رعد، ش، ۱۰۸، س ۹، ۵ ذی‌القعدة ۱۳۳۳، ص ۳).

همچنین در اصفهان «به مناسبت اقدامات حق شکنانه‌ی قشون انگلیس در بوشهر و احساسات اهالی فارس اهالی (آن) اصفهان هم چند روز است به هیجان... جمعیت زیادی از اهالی در مساجد اجتماع می‌نمایند و بعضی نطق‌ها مفصل می‌شود. از طرف آقایان علما تلگرافی چند به تهران مخابره شده کسب تکلیف نموده‌اند؛ و منتظر جواب تلگرافات هستند...» (روزنامه رعد، ش، ۱۷۱، س ۶، ۲۴، شوال ۱۳۳۳، ص ۴).

در شیراز-آقایان حجج اسلام در نزدیکی مسجد بردی انجمنی را تشکیل داده و اشخاص را دعوت به نظام و مجاهدت و مدافعه نموده‌اند. از قرار یک خبر، اکنون، قریب هشت هزار نفر از اهالی شیراز و اطراف تحت سلاح رفته‌اند؛ و از قراری که می‌شنویم امروز عده‌ای از شهر خارج شده و به کمک تنگستانی‌ها خواهند رفت (روزنامه ارشاد، ش، ۱۰۱، س ۹، ۱۳ شوال ۱۳۳۳، ص ۳).

این اعتراضات شدید مردمی، دولتیان را به هراس و نگرانی وامی‌دارد. آن‌ها، در جواب مکاتبه مجتهدان، قول خروج قشون انگلیس از بوشهر را می‌دهند (بیات، ۱۳۷۳: ۲۱۰)؛ که عملی نمی‌شود. همین بی‌توجهی آن‌ها به خواسته مهم مجاهدان، قیام را وارد مرحله‌ای تازه می‌نماید و آن صدور فتاوا و فرمان‌هایی است که عمدتاً در مساجد به اطلاع نمازگزاران می‌رسد و مردم را مهیا به نبردی بی‌امان می‌نماید.

### ۳-۲-۴- ستاد فرماندهی فرمان‌ها و فتاوی‌ی جهاد

با بی‌نتیجه ماندن مذاکرات تخلیه، انگلیسی‌ها گستاخانه‌تر بر پایداری حقوق مردم اصرار می‌ورزند. سرداران جهاد از پیشوایان و مراجع و رهبران دینی خود خواستار رخصت قیام می‌شوند. علمای دین و از جمله آیت‌الله سید کاظم طباطبایی یزدی فتوا می‌دهد: «امروز، اروپایی‌ها به حمله نظامی به کشورهای اسلامی سرگرم هستند... بر همه مسلمانان، چه عرب و چه عجم، واجب است که آماده دفاع از سرزمین‌های اسلامی باشند مسلمانان باید در راه بیرون راندن سربازان... از ایران، جان و دارایی خود را فدا کنند» (حبل‌المتین کلکته، سال ۱۹ شماره ۲۶۱۶ محرم ۱۳۳۰ و دوانی، ۱۳۹۴: ۲۰۹/۱). علمای بیدار و آگاه جنوب همچون سید عبدالله بلادی، سید عبدالحسین لاری، سید مرتضی

اهرمی (علم الهدی)، شیخ محمدحسین برازجانی، شیخ جعفر محلاتی، با صدور فتوای جهاد و اعلام بسیج عمومی علیه اشغالگران، رزمندگان و مردم را به مبارزه و مقاومت دعوت می‌کنند (رجبی، ۱۳۶۸: ۸۰). پس از آن است که مردم از هر قشر و طبقه‌ای، همچون سپاهیان صدر اسلام، سراپا آماده حماسه می‌گردند؛ دسته، دسته به مساجد روی می‌آورند. «پابرهنگان دشتی و دشتستان با کوله‌پشتی نان و خرما صف زده می‌گفتند؛ ما آماده جهادیم ولی اسلحه نداریم و چون به دست نمی‌آوردند، مایوسانه با چشمانی پراشک برمی‌گشتند...» (نبوی، ۱۳۷۳: ۲۵۵) همین‌گونه، غیرت و عزت خواهی که در مردم مناطق بندر ریگ، دیلم و ... وجود داشت. آن‌ها را وادار نمود تا خود را به بوشهر برسانند (رکن زاده آدمیت، ۱۳۷۰: ۱۹۱). در فارس نیز به دنبال انتشار خبر اشغال بوشهر، مردم به مسجد نو، پایگاه همیشگی حضورشان، روی آوردند و پس از شنیدن رهنمودهای رهبران، آماده حرکت به برازجان می‌گردند (رکن زاده آدمیت، ۱۳۷۰: ۱۱۴ و ۱۱۵) و پس از اعلام فتوا و آمادگی است که از همین مسجد، علما در کنار سایر فرماندهان، پیشوایی کاروان‌های اعزامی را بر عهده می‌گیرند: «آقا شیخ جعفر مجتهد محلاتی» یکی از علمای شیراز سمت ریاست و پیشوایی قشون را به عهده داشت. شیخ با محاسن سپید درحالی که شمشیری حمایل کرده بود و کلام‌الله مجید را بر سینه می‌فشرد، پیشاپیش قشون داوطلب اسب می‌رانند... (احرار، ۱۳۵۲: ۱/ ۳۳۴). از سوی دیگر، امر تدبیر آموزش و ساماندهی این نیروهای ایثارگر، بایستی به سرعت صورت می‌گرفت. در این راستا انتخاب قرارگاهی مردمی که امکان عملی سازی این کار را فراهم کند ضروری به نظر می‌رسید و لذا مسجد یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های تعلیمات می‌شود.

### ۳-۲-۵- اردوگاه آموزش تعلیمات دینی و رزمی و سازمان‌دهی سپاه جهاد

اردوگاه‌های جهاد جلوه‌های اندیشه، اعتقاد و فعل مجاهدین جنوب بوده و این اردوگاه با وجود تفاوت‌های مکانی، در شهر و چه بیرون از شهر، نقش تعیین‌کننده‌ای در تعلیمات آموزشی و نظامی مجاهدان اسلام داشتند.

اردوگاه‌های نزدیک شهری، غالباً در مساجد با وسعت و امکانات خوب برپا می‌شد. فرماندهان با مشورت علما و رهبران جهاد، مساجد بزرگ را به اردوگاه‌های عبادی نظامی مبدل می‌ساختند؛ مساجد چون مسجد وکیل، مسجد نو در شیراز و مسجد نو در کازرون و بوشهر و مسجد امام حسین و کورده در جهرم و لار و ... در این شمار قرار می‌گیرند در آنجا مجاهدین از هر قوم و قبیله‌ای، ضمن انجام اعمال عبادی سیاسی خود، به آموزش نظامی می‌پرداختند و از آخرین راهبردهای شرعی مقاومت توسط علمایی



چون حاج میرزا محمدباقر دستغیب که بر منبر می‌رفت و ایراد نطق می‌نمود، سرا پاگوش بهره می‌بردند (رکن زاده آدمیت، ۱۳۷۰: ۱۵۵)؛ این برنامه‌ای مستمر و همه‌روزه بود. «شیراز، مجاهدین مشغول مشق هستند و همه‌روزه در مسجد نو و مسجد وکیل، با حضور علما و سایر طبقات اجتماع نموده و نطق خطابه می‌خوانند» (بیات، ۱۳۷۳: ۲۳۷)؛ و یا این گزارش که می‌گوید: «داوطلبانی که مشق می‌کنند در مسجد نو نصیرالملک پس از مشق، دیدوبازدید می‌کنند» (روزنامه رعد، ش، ۱۸۱، س ۶، ۱۱، شوال ۱۳۳۳، ص ۲).

اردوگاه‌های صحرائی از جمله، قریه «گرگور»<sup>(۴)</sup> و کوه‌های اطراف یکی از آن‌ها بود. این اردوگاه در روزهای اول تجاوز انگلیسی‌ها محل سازمان‌دهی نیروهای مجاهد به رهبری زائر خضرخان شیخ حسین چاه کوتاهی بود و یا اردوگاه «کلات بوچیر» بین کوه‌ها در سه کیلومتری شهر دلوار، تحت سرپرستی زائر محمد رئیس‌علی متمرکز می‌شود؛ از همین قبیل است (فراشبندی ۱۳۶۲: ۳۱).

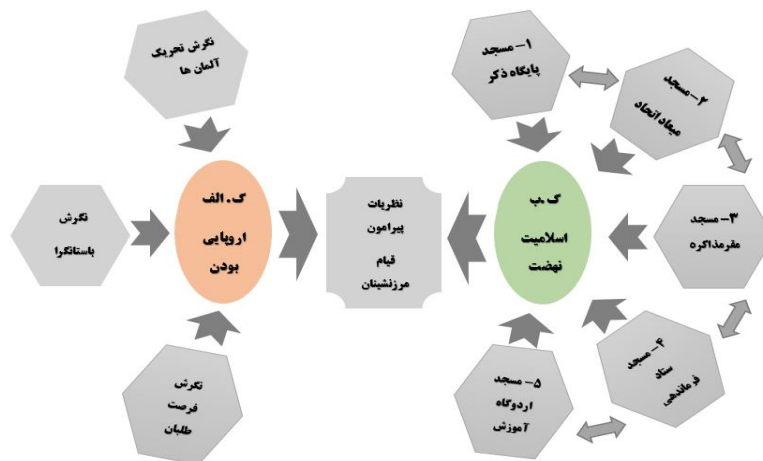
نکته مهم این است که علما که بر اصل فرموده پیامبر اسلام: «جعلت لی الارض مسجدا طهورا...» یعنی روی زمین سجده‌گاه و پاک‌کننده برای من مقرر شده است (بحارالانوار، ج ۱۶: ۳۱۳ و ج ۷۷: ۱۴۷)؛ مسجدهای صحرائی که از چوب و برگ درخت نخل برپا می‌شد؛ جز لوازمات اردوگاه‌های مبارزه می‌شناختند (مرادی، ۱۳۷۸). از سوی دیگر، روحانیون و مجتهدین در اردوگاه حضور می‌یافتند تا موجب تقویت روحیه‌ی شجاعت و فداکاری سربازان گردند (بلادی، ۱۳۷۳: ۶۷). آیت‌الله سید علینقی حسینی، آیت‌الله علم الهدی و آیت‌الله جعفر محلاتی از جمله این مجتهدین بودند که پیوندی مستمر با اردوگاه‌های شهری و صحرائی داشتند.

همچنین مواد «۷۷، ۷۸، ۱۱، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۷۱» (بلادی، ۱۳۷۳: ۶۸، ۶۹، ۷۲) (عبدالله بلادی، لوایح و سوانح، ص ۶۸، ۶۹، ۷۲) در «نظامنامه حرب» که آیت‌الله سید عبدالله بهبهانی با همفکری سایر علما برای انتظام بخشی مقاومت مرزنشینان تدوین نموده بر وجوب رعایت قوانین شرعی در اردوگاه‌های جهاد تصریح و تأکید دارد که به‌عنوان نمونه ماده اول چنین است: «باید روحانیون به ریاست یک نفر که فی‌مابین خودشان انتخاب خواهد شد و... ناظر بر فرمانفرمای کل باشند که اجرایی برخلاف قوانین شرع اسلامی به عمل نیاید» (بلادی، ۱۳۷۳: ۶۷).

حاصل تحلیل و ارزیابی نظریه‌های اروپایی و باستان‌گرایی این است که آن دیدگاه‌ها با وجود مواضع متفاوت نسبت به هم اما در خواستگاه فکری و فرهنگی که ریشه در فرهنگ و ایدئولوژی غربی‌ها پس از انقلاب صنعتی دارد، مستقیم و

غیرمستقیم، وجهی مشترک دارند و به عبارت دیگر می‌توان گفت که آن‌ها به لحاظ اصول و مبانی فکری در یک جبهه‌ی فرهنگی واحدی قرار دارند. این تعلق و وابستگی به فرهنگ غرب صنعتی که بر پایه نفی ارزش‌های الهی دین و ناکارآمدی آن شکل گرفته، موجب نادیده انگاری کارکرد ۱۴۰۰ ساله‌ی فرهنگ ایران اسلامی؛ ضدیت با اسلام، تبیین نادرست کارکرد مسجد و تحریف هویت قیام و غیرمستقل خواندن آن شده است؛ اما در نظریه اسلامیت قیام یا نظریه نقش‌آفرینی نهاد مسجد، برخلاف دیدگاه‌های مشترک مذکور، به روشنی بر فرهنگ اسلامی و کارکرد سیاسی اجتماعی نهاد مسجد که به شکلی همه‌جانبه با هدایت علما و فقهای مبارز تأکید دارد و پیوندی ناگسسته و پایدار در جامعه و بین مردم ایجاد می‌نماید. به گونه‌ای که در فرآیند شکل‌گیری قیام جنوب از ابتدا تا انتها مسجد به عنوان پایگاه توحید و بندگی، میعادگاه اتحاد و ائتلاف، قرارگاه مذاکره و مشاوره، ستاد فرماندهی و اردوگاه آموزش رزم و جهاد، نقشی سرنوشت‌سازی در صحنه لفظ و نشر فرهنگ پایداری و دفاع از مرزها در برابر متجاوزان ایفا می‌کرد.

شکل شبکه مضامین نقش سیاسی اجتماعی مسجد بر شکل‌گیری قیام مرزنشینان خلیج فارس در مقابل نگرش‌های اروپایی



این شبکه دودسته مضامین را در قالب دو گروه نظریات «غیر هویتی اروپاییان» که قائل به حرکت مستقل و مردمی قیام نبودند و «گروه نظریات هویت محور»، نشان می‌دهد.



همچنین نظریه کارکرد نهاد مسجد و فرآیند پنج‌گانه‌ی شکل‌گیری هویت اسلامی قیام به شرحی که در بخش یافته‌ها، تبیین شد، ملاحظه می‌گردد.

### نتیجه‌گیری

پژوهش، با نگاهی هویت‌شناسانه؛ جنبش ساحل‌نشینان جنوب را مطالعه کرده و در این راستا ابتدا مواضع و نگرش‌های مختلف اروپاییان را در عوامل شکل‌گیری قیام در قالب بیان دو دیدگاه: «آشوبگران فرصت‌طلب؛ تحریک آلمان‌ها»، بیان می‌دارد و در عدم شناسایی حقیقت مستقل قیام و همچنین نگرش ناسیونالیست‌های جدید که بر هویت باستان‌گرایی قیام تأکید داشتند نقد و ارزیابی به عمل آمد؛ سپس با تأکید بر نقش نهاد مسجد که تجلی حضور رهبران جهاد و مجاهدان و محل لف‌ونشر احکام فردی و اجتماعی حقوق اسلام است، منطبق بر اسناد، معناداری و جوهریت اسلامی در تحولات قیام، بررسی گردید؛ و آشکار گردید که حقیقت مقاومت مردم در سواحل خلیج فارس، اسلام و فرهنگ متمدن اسلامی آن بوده است.

این حقیقت احیاگر اسلامی در قیام جنوب که بر قواعدی چون قاعده نفی سبیل استوار است خشم ضد استعماری و ضد استبدادی مردم را برانگیخت و آن‌ها را راهی مرزها نمود؛ و این بود که استعمار را وادار ساخت با طرح گسترده‌ی نگرش‌هایی جااعلانه و تحریف وقایع به‌طوری خصمانه، واقعیت فرآیند شکل‌گیری قیام جنوب را از چشم حقیقت‌بینان دورنگه دارد و حوادث را در راستای اهداف استثماری خود تفسیر و مصادره کند؛ تا ضمن تحقیر روح استقلال‌طلب و ضد استعمار مردم ایران، اقدامات اشغال‌گرانه‌ی قدرت‌ها را نتیجه ناتوانی ملت‌ها در دفاع از حقوق خویش القا کند. یافته‌ها در تحقیق روشن ساخته است که قیام مرزنشینان جنوب، نماد مقاومت جریان الگوی تعالی اسلامی در استمرار حرکت تاریخی علمای مبارز اسلام که در جنبش‌های دوره‌ی معاصر شکل گرفته است. در این هویت‌یابی، مراکز فرهنگ و تمدن اسلام یعنی مساجد، بستر و مهم‌ترین عامل انتقال فرهنگ مقاومت و شکل‌گیری مراحل این نهضت در طریق حفظ استقلال ایران و شکوفایی غیرت ملی در برابر تجاوزات دول استعمارگر بوده است.

### یادداشت‌ها

- ۱- وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ذاریات: ۵۱).
- ۲- اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ (بقره: ۲۵۷).
- ۳- شهرستان تنگستان، یکی از شهرستان‌های استان بوشهر ایران است. مرکز این شهرستان شهر آهرم است.
- ۴- این قریه از روستاهای ساحلی شهر دلوار تا محل استقرار انگلیس‌ها در منطقه اشغالی روستای تنگک حاشیه شهر بوشهر، ۲۵ کیلومتر مسافت فاصله بود.

### منابع

- قرآن کریم.
- احرار، احمد (۱۳۵۲)؛ *توفان در ایران* ج ۱، تهران: نوین.
- اسکرین، کلارمونت (۱۳۶۳)؛ *جنگ جهانی در ایران*، مترجم: غلامحسین صالح یار، تهران: نشر سلسله.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ ق)؛ *مکاسب*، ج ۴، تهران: دارالحکمه.
- آژند، یعقوب (۱۳۶۳)؛ *قیام شیعی سریداران*، تهران: گستره.
- آبراهامیان، پرواند، (۱۳۹۷)؛ *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه: احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- الهی، همایون (۱۳۹۶)؛ *خلیج فارس و مسائل آن*، تهران: قومس.
- آیت‌اللهی، محمدتقی (۱۳۶۳)؛ *ولایت فقیه، زیربنای مشروطه و مشروعه*، تهران: امیرکبیر.
- اوکائر، فردریک (۱۳۷۶)؛ *از مشروطه تا جنگ جهانی اول*، مترجم: حسن زنگنه، تهران: شیرازه.
- بجنوردی، حسن (۱۴۱۹ ق)؛ *القواعد الفقهیه*، ج ۱، تهران: نشر الهادی.
- بلاذی بوشهری، سیدعبداله (۱۳۷۳)؛ *لوايح و سوانح*، بوشهر: کنگره هشتمین سالگرد رئیس‌علی دلوار.
- بیات، کاوه (۱۳۷۳)؛ *اسناد جنگ جهانی اول در جنوب ایران*، بوشهر: کنگره هشتمین سالگرد رئیس‌علی دلواری.
- بیات، کاوه، (۱۳۷۳)؛ *ایران در جنگ جهانی اول در جنوب ایران*، بوشهر: کنگره هشتمین سالگرد رئیس‌علی دلواری.
- بهار، محمدتقی (۱۳۶۳)؛ *تاریخ مختصر احزاب سیاسی؛ انقراض قاجاریه*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- براون، ادوارد (۱۳۳۸)؛ *انقلاب ایران*، مترجم: احمد پژوه، تهران: معرفت.
- حسین زاده محمود (۱۳۹۳)؛ «مسجد نماد تمدن»، *مجموعه مقالات فروغ مساجد*، قم: دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد. (صفحه ۶۸-۴۸)
- رکن زاده آدمیت، محمدحسین (۱۳۷۰)؛ *دلیران تنگستان*، تهران: انتشارات اقبال.
- ----- (۱۳۷۰)؛ *فارس در جنگ بین‌المللی اول*، تهران: انتشارات اقبال.
- رجبی دوانی، محمدحسن (۱۳۶۸)؛ *رسایل و فتاوی جهادی*، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- زنجانی، عمید (۱۳۹۲)؛ *قواعد فقه*، ج ۳، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- دوانی، علی (۱۳۹۴)؛ *نهیض روحانیون*، ج ۱، تهران: مرکز اسناد انقلاب.
- سپهر، مورخ الدوله (۱۳۶۲)؛ *ایران در جنگ جهانی بزرگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴*، تهران: نشر ادیب.



- سایکس، سرپرسی (۱۳۹۱)؛ **تاریخ ایران**، مترجم: محمدتقی فخرداعی گیلانی، تهران: نگاه.
- سایکس، سرپرسی (۱۳۷۷)؛ **گزارش‌های سالانه سرکنسول انگلیس در بوشهر**، ترجمه: حسن زنگنه، تهران: انتشارات پروین.
- صداقت کیش، جمشید (۱۳۹۱)؛ «جبهه‌ی جنگ آباده علیه پلیس جنوب»، **مطالعات تاریخی**، تابستان - شماره ۳۷ (صفحه - از ۱۰ - ۴۷).
- عمید، حسن (۱۳۸۹)؛ **فرهنگ فارسی عمید**، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۳۸۳)؛ **القواعد الفقہیہ**، قم: مرکز فقه الأئمة الأطهار علیهم‌السلام.
- فراشبندی، علیمراد (۱۳۶۲)؛ **گوشه‌ای از تاریخ انقلاب مسلحانه مردم مبارز تنگستان**، دشتی و دشتستان علیه استعمار، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- فراشبند، علیمراد (۱۳۵۹)؛ **تاریخچه حزب دموکرات فارس**، تهران: انتشارات اسلامی.
- فیستر، باربار (۱۳۹۲)؛ **مساجد اولیه ایران از آغاز تا دوره حکومت سلجوقیان**، مترجم، فرامرز نجد سمیعی، تهران: انتشاراتی پازینه.
- فن می‌کوش، داگوبرت (۱۳۸۳)؛ **واسموس**، مترجم: کیکاووس جهاناداری، تهران: شهاب ناخب.
- قطنی، بهروز (۱۳۷۰)؛ **اسناد جنگ جهانی اول**، در ایران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.
- گرووتروپ، هندریک (۱۳۹۴)؛ **ویلهم واسموس**، مترجمین: فاطمه ترکمان دهنوی و حمید میرزا آقا، بوشهر: بنیاد ایران‌شناسی شعبه بوشهر.
- مابریلی، جیمز (۱۳۶۹)؛ **عملیات در ایران، جنگ جهانی اول ۱۹۱۹-۱۹۱۴**، مترجم: کاوه بیات، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- مرتضی زبیدی (۱۴۱۴ م)؛ **تاج العروس من جواهر القاموس**، ج ۵، بیروت: دارالفکر.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸)؛ **صحیفه امام**، ج ۱۰، تهران: مؤسسه تنظیم آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۰)؛ **صحیفه نور**، ج ۷ و ۸، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی ایران.
- مدرس، محمدتقی (۱۳۹۳)؛ **امامت شیعه و جنبش‌های مکتبی**، ترجمه: حمیدرضا آژیر، مشهد، آستان قدس رضوی.
- المتقی الهندی، علاء‌الدین علی بن حسام‌الدین (۱۴۳۱ ه ق)؛ **کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال**، ج ۴، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ ق)؛ **مستدرک الوسائل ج ۱۰**، بیروت: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
- مرتضی مطهری (۱۳۶۲)؛ **خدمات متقابل اسلام و ایران**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مشایخی، عبدالکریم (۱۳۸۱)؛ **بوشهر در انقلاب مشروطیت ایران**، بوشهر: مرکز ایران‌شناسی بوشهر.
- مطهری زاده، موسی (۱۳۸۳)؛ **ناصر دیوان کازرونی به روایت اسناد**، تهران: نشر کازرونی.
- مهاجری، عبدالحمید (۱۳۷۰)؛ **شجره طیبه**، شیراز: چاپخانه نور.
- نبوی، محمدحسن (۱۳۷۳)؛ «جنبش روحانیون در قیام ضد استعماری مردم جنوب»، مجموعه مقالات قیام جنوب در جنگ جهانی اول، بوشهر: کنگره دلواری، (صفحه ۲۵۹-۲۰۳).
- نجفی، موسی (۱۳۷۷)؛ **تأملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی**، ج ۵، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- نجفی، موسی؛ نجفی، محمد سجاد (۱۳۹۱)؛ «جریان‌شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیر آن در نهضت بیداری اسلامی»، نشریه علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج، دوره ۸، شماره ۱۸، (صفحه ۱۷۹-۲۱۸).
- نیدر مایر، اسکارفن، (۱۳۶۳)؛ **زیر آفتاب سوزان ایران**، ترجمه کیکاووس جهاناداری، تهران: نشر تاریخ و ادال. ر (۱۳۶۴)؛ **خلیج فارس در عصر استعمار**، مترجم: شفیق جوادی، تهران: مؤسسه سبح.

- ویلسون، آرنولد (۱۹۲۸ م)؛ **خلیج فارس**، مترجم: محمد سعیدی، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- هومن، حیدر علی (۱۳۸۱)؛ **راهنمای علمی در پژوهش کیفی**، تهران، انتشارات سمت.
- **روزنامه رعد** سال ۶، ش ۷ تهران: مورخه ۲۰ ذی‌القعدة ۱۳۳۳.
- **روزنامه حیل‌المتین** کلکته، سال ۱۹ شماره ۱۶، ۲۶ محرم ۱۳۳۰/۹.
- **روزنامه شورا**، ش ۹۲، ص ۲، ۱۰ ذی‌قعدة، ۱۳۳۳ پ.
- **روزنامه رعد**، ش، ۱۰۸، س ۹، ۵ ذی‌القعدة ۱۳۳۳، ص ۳.
- **روزنامه رعد**، ش، ۱۷۱، س ۶، ۲۴ شوال ۱۳۳۳، ص ۴.
- **روزنامه ارشاد**، ش، ۱۰۱، س ۹، ۱۳ شوال ۱۳۳۳، ص ۳.
- **روزنامه رعد**، ش، ۱۸۱، س ۶، ۱۱ شوال ۱۳۳۳، ص ۲.



